

نهج البلاغه

حدیث روز: از امام حسن(ع) سؤال شد، فقر چیست؟ فرمود: سیری ناپذیری نفس نسبت به هر چیزی.

واحه: بی محبت مگذران عمر عزیز خویش را در بهاران عذلیپ و در خزان پروانه باش

اوقات شرعی: اذان ظهر: ۱۲/۱۵ غروب آفتاب: ۱۸/۰۵ اذان مغرب: ۱۸/۲۳ نیمه شب شرعی: ۲۳/۳۳ اذان صبح (فردا): ۵/۰۲ طلوع خورشید(فردا): ۶/۲۵

وضعیت آب و هوای امروز

تهران ۱۸ / ۹

اردبیل ۱۲ / -۵

ایلام ۱۴ / ۲

اراک ۱۸ / ۱

بندرعباس ۲۸ / ۱۶

زاهدان ۲۲ / ۷

ساری ۱۹ / ۷

یزد ۲۲ / ۸

حکمت ۱:۰۷

نهج البلاغه

چه بیه دانشمندی که جهلش او را ز پای درآورد و دانش او همراهش باشد اما سودی به حال او نداشته باشد.

تلنگر

پروانه‌ها حمله نمی‌کنند

آه اتوبان تهران - قم را با نهایت سرعتی که می‌شد می‌راندم و باز مثل همه وقت‌هایی که می‌پچند دور موانع وسط اتوبان و یاد خنک می‌روم، اطراف جاده پر از سبزه و درخت شده بود. چیزی شبیه جنگل‌های استوایی. همیشه وقتی بیشتر از ۱۰کیلومتر این جاده بیابانی را می‌رانم، درخت‌های در هم و برگ‌های پهن از کنار جاده می‌رویند و مثل پیچک می‌پچند دور موانع وسط اتوبان و یاد خنک شروع می‌کنند به وزیدن و صدای چند ده نوع طوطی مختلف و کم‌یاب به گوش می‌رسد. این خاصیت جاده‌های کفی و بیابانی است که آدم را می‌کشد در خیالات خودش. بیشتر از ۱۰کیلومتر که با نهایت سرعت یک اتوبان مستقیم را برانی، ناخودآگاه از دنیای مستقیم‌ات کنده می‌شوی و ذهنت به طور خودکار جاده مستقیم را رانندگی می‌کند و بخش خیالاتش را فعال می‌کنند که این فعالیت تکراری را برایت لذت‌بخش کند و بعد دیگر نمی‌فهمی اطرافت فقط بیابان است و بیابان. دیگر همه خیالات تو مسیر سر و کله‌شان پیدا می‌شود. راستش را بخواهید پیش خودم فکر می‌کردم این صدا‌های کوتاهی که از خوردن اجسام بسیار کوچک به شیشه به گوش می‌خورد برای همان دنیای خیالی خودم است. فکر می‌کردم این پروانه‌های زرد و زنبایی که اتوبان را گرفته‌اند مربوط می‌شوند به همان جنگل استوایی که بخش خیالات ذهنم برایم ساخته است.

اما وقتی به مقصد رسیدم و از ماشین پیاده شدم، تن له شده ده‌ها پروانه زرد کوچک را دیدم که به سپر و کاپوت و شیشه ماشین چسبیده‌اند. غم عجیبی روی دلم نشست اما راستش اگر می‌دانستم این پروانه‌ها واقعا وسط بیابان دارند پرواز می‌کنند هم باز فرقی نمی‌کرد. من که نمی‌توانستم اتوبان را ببندم و به همه راننده‌ها بگویم از الان تا رد شدن همه پروانه‌ها از این آزادراه تردد نکنید. یکی دو سال پیش مهم‌ترین خبر حوادث این بود که پروانه‌ها به شهرهای ما حمله کرده‌اند. اصلا جمله‌اش هم خنده‌دار بود. مگر پروانه‌های کوچک رنگی می‌توانند به کسی حمله کنند آدم فکر می‌کند آنها فقط می‌توانند دسته جمعی مهمان یک شهر شوند. هر چه باشد انگار در به کاربردن تتر متناسب برای مهمان شدن پروانه‌ها بی‌انصافی کرده بودیم که حالا واقعا لشکر ویروس‌ها به شهرهایمان «حمله» کرده‌اند.

طاهره آشیانی

روزنامه‌نگار

آه هیج چاره‌ای نداریم غیر از ادامه این جنگ. می‌بینید که همه درهای صلح را به روی ما بسته‌اند. باکفر، سازش حرام است. با کفر، پای میز مذاکره نشستن خصلت معاندان و ناکسان است نه خصلت مومنان. ما هیچ چاره‌ای نداریم جز جنگ و جهاد در راه خدا. راه چاره توسط امام علی(ع) به مومنان حقیقی سفارش شده و اگر همه درها بسته باشند یک در به سوی بهشت باز است و آن در، در جهاد است. جهاد در راه خدا نه به خاطر پول نه زن و بچه، نه مکنیت و قدرت و نه جاه و ریاست. ما فقط باید در راه خدا بجنگیم و از خودمان مایه بگذاریم. سخن و راه همان است که در اول جنگ امام عزیزمان فرمودند. ایشان گفتند ما در این جنگ چون حسین وارد شده‌ایم و چون حسین باید به شهادت برسیم.

آنچه خواندید بخشی از سخنان شهید محمد ابراهیم همت است؛ شهیدی که در ۲۸ سالگی در جریان عملیات خیبر در سال ۶۲ به شهادت رسید. شهید همت، یکی از مطرح‌ترین فرماندهان دفاع مقدس است که هم در دوران جنگ و هم بعد از آن محبوبیت زیادی بین رزمندگان و عموم مردم داشت و دارد. با گل علی بابایی، نویسنده حوزه دفاع مقدس و یکی از هم‌زمان و دوست شهید همت هم صحبت شدیم تا از ویژگی‌های منحصر به فرد این شهید برایمان بگوید؛ همان ویژگی‌هایی که باعث شد شهید محمد ابراهیم همت را همه نسل‌ها بشناسند و باور کنند او یکی از وفادارترین یاران انقلاب اسلامی بود. آقای بابایی می‌گوید: شهید همت چشم‌انداز وسیعی داشت، به همین دلیل در سخنرانی‌هایش می‌توان رویکردهایی

پیدا کرد که حتی برای امروز هم کاربردی است؛ مثل همین جملاتی که در بالا خواندید. شهید همت در چند جمله، روش و رویکرد ایران اسلامی در برابر دشمنان و کفار را مشخص کرده است. اگر قرار باشد سخنان شهدا و فرماندهان جنگ را عملی کنیم، این سخنان امروز راه را به ما نشان می‌دهند.

کتابخوان بود

بابایی در توصیف شهید همت می‌گوید: بسپچی، معلمی که در جبهه‌ها نیز از قابلیت‌های معلمی خود استفاده می‌کرد. او آموزگار و فرمانده‌ای بود که در مقطعی از تاریخ معاصر زندگی کرده اما وسعت دیدش آنقدر زیاد بود که آموزه‌ها و سخنانش امروز هم کاربردی است. پیش‌بینی‌هایی که داشت همه بروز پیدا کرد. این چشم‌انداز را به دلیل مطالعات زیادی که داشت به دست آورده بود. شخصیتی فوق‌العاده‌ای داشت. او از نوجوانی با گروه‌های انقلابی نشست و برخاست

شماره ۳۶۳۷ - ISSN ۱۷۳۵۰۱۳۵  
 پایگاه اطلاع‌رسانی:  
 www.jamejamdaily.ir  
 پست الکترونیکی:  
 info@jamejamdaily.ir

یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ | ۲۳ رجب ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۹۴ | استان تهران و البرز - ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - March 7, 2021

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹  
 تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۴۰۰۰ • دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۶۶۲۵۲  
 سازمان‌شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۵۱۹۱۴۱۳  
 مورمشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰  
 شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۳۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲  
 چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

شهرهای کوچک می‌رفت و در کنار کار جهادی برای مردم صحبت هم می‌کرد و همه این تجربیات، تبحر او در فرماندهی جنگ را بیشتر کرده بود.

فرمانده مردمدار

بابایی درباره محبوبیت شهید همت در جبهه‌ها می‌گوید: شهید همت خوش‌چهره بود و زیاد رزمندگان رو به‌رو می‌شد. یادم هست رزمندگان در استقبال از او شعار می‌دادند: صلی علی محمد / فرمانده ما خوش آمد. گاهی استقبال آنقدر زیاد بود که با سستی او را از حلقه رزمنده‌ها بیرون می‌بردند. در آن زمان که مثل الان شبکه‌های اجتماعی و اینترنت و بقیه وسایل ارتباط جمعی نبود، این محبوبیت زبان به زبان در جبهه‌های مختلف می‌چرخید. رزمنده‌هایی که با شهید همت برخورد داشتند برای دیگران از توانمندی‌ها، رفتار و منش خویش تعریف می‌کردند. برای همین وارد هر منطقه‌ای که می‌شد همه رزمندگان در هر رده‌ای که بودند، مشتاق دیدارش بودند و دوست داشتند پای صحبت‌های او بنشینند. بعد از شهادتش همه از خوبی‌هایش گفتند از این‌که فرمانده بی‌نظیری بوده و در عین حال خوش‌مشرب و خوش اخلاق و مردمدار. شهید همت از فرماندهان لشکرهای تهران بود. به نظر بعد از جنگ درباره این فرماندهان کار رسانه‌ای خوب و موثری انجام شد. به همین دلیل این فرماندهان به مردم و به خصوص نسل جوان شناسانده شدند. درباره شهید همت مستندی پخش شد به‌نام سردار خیبر که در معرفی ایشان خیلی موثر بود. همسر شهید همت در این مستند از خصوصیات فردی و شخصی او گفت که خیلی به دل نشست، چون واقعیت را گفت بدون هیچ دخل و تصرفی یا غلو. این اتفاق برای شهید بابایی هم با سریال شوق پرواز رخ داد و باعث شد همه مردم از هر قشر و طیفی که بودند با شهید بابایی و بخش‌های مختلف زندگی او آشنا شوند.

قهرمان ساده‌زیست

زندگی شهید همت پر از نکات آموزنده‌ای است که برای نسل جوان چراغ راه است. زندگی بسیار ساده و به دور از هر تجملی. همسر شهید همت در مستند سردار خیبر گفت: «صد تا تک‌تومان دادیم و دو تا حلقه خریدیم برای ازدواجمان. وقتی قرار شد از اسفهان به دزفول نقل مکان کنیم همه وسایل زندگی‌مان در یک پیکان سواری جاشد. حتی بخیال نداشتیم...». همه اینها، ساده‌زیستی شهدا را نشان می‌دهد. توقع نداریم جوانان امروز مانند چند دهه قبل زندگی کنند اما وقتی درباره زندگی شهیدان بدانند و با سبک زندگی آنها آشنا شوند، حتما در سبک زندگی و خواسته‌های خود تجدیدنظر وساده‌تر انتخاب و زندگی می‌کنند چون با آدم‌های مهم و قهرمانان واقعی و معاصریشان آشنا شده‌اند که هر چند برای زندگی فقط ضروری‌ترین لوازم را داشتند اما بزرگ فکر و عمل می‌کردند و همین تفکر آنها باعث شد تا هشت سال در برابر دشمن مقاومت و از کشور و انقلاب خود پاسداری کنیم.

## واقعیت زندگی شهدا پر از شگفتی است

گل علی بابایی می‌گوید: برای معرفی شهدای دفاع مقدس و فرماندهان جنگ باید درباره آنها کتاب نوشت، سریال و فیلم ساخت. اما نکته مهم این است که درباره آنها نباید اغراق کرد. باید واقعیت‌ها گفته شود چون آنقدر زندگی این شهیدان نقطه روشن دارد که نیازی به غلو کردن یا تحریف واقعیت زندگی آنها نیست. درباره شهیدان و فرماندهان دفاع مقدس باید تحقیق و کتاب‌نویسته شود. آینه‌دگانی که بخواهند درباره آنها فیلم و سریال بسازند، می‌توانند به این کتاب‌ها مراجعه کنند. باز هم تأکید می‌کنم واقعیت زندگی شهدا نباید تحریف یا بزرگنمایی شود. واقعیت زندگی آنها بسیار آموزنده و پراز شگفتی است و نیازی به غلو نیست.

## پرده‌برداری از ضریح جدید امام رضا(ع)

مراسم روحانی پرده‌برداری از پنجمین ضریح حرم امام هشتم(ع) با حضور رهبر معظم انقلاب برگزار شد و مشتاقان پس از ۵۵ روز انتظار حضرت را زیارت کردند. کار نصب ضریح جدید از ۲۱ دی‌ماه آغاز شده بود. در این ضریح از روکش‌های طلا و نقره استفاده شده به گونه‌ای که در اثر گذر زمان دچار ساییدگی نمی‌شود. گلبرگ‌های به کار رفته دارای پیام‌های فرهنگی و بیانگر ارزش‌ها و آرمان‌های نظام مقدس اسلام است. چهارمین ضریح حرم شریف نیز به موزه امام رضا(ع) منتقل شده است. (صفحه ۲)



## گفت‌وگوی بوق اشغال با احمد رضا احمدی

یک تابلو از پاییز؟ یاد باد باد و سکوت سراب؟ روز و شب. فقط آدم‌های موفق از آن عبور کرده‌اند. شاعران ناموفقند؟ موفقیت آنان بعد از مرگ است. تجربه اولین اندوه؟ آمدن به تهران در سال دوم دبستان و خندیدن بچه‌ها به لهجه کرمانی‌ام، سرما، مدارس انبوه از فلک و چوب، تنهایی. اولین عصیانیت؟ از دست لباس‌های پشت وپشتین که به تنت قواره بود ولی... اولین عشق؟ نتیجه‌اش کلانتری بود نه محضر. میانسال؟ نداشتن تأمین اقتصادی. اکنون؟ بیماری قلبی، فاصله سنی فراوان با دخترم. پنج فیلم برای جزیره تنهایی؟ کوزن‌ها، فیصر، غزل، رگبار و مسافران. از چه ضرب‌المثلی خوشتان می‌آید؟ اصلا خوشم نمی‌آید. بوی کهنگی و پند. تکیه‌کلام همیشگی؟ ای داد. موقع پیاده شدن از تاکسی چه می‌گویید؟ توی تاکسی آن قدر پرحرفی می‌کنم که موقع پیاده شدن دیگر خسته‌ام. یک پیغام برای شاعران هزاره بعد؟ لطفا شاعری را راه‌کنید که به قول قدیمی‌ها عاقبت ندارد. (صفحه ۵)

## هشدار درباره کم‌آبی

رسول زرگر، معاون وزیر نیرو در امور آب گفت: میزان بارش‌های جوی در سه ماهه اول مهر تا آذر در سال جاری مطلوب بود اما این روند برای دو ماه بعد از آن ادامه نیافت و با توجه به افزایش تغذیه طبیعی به‌دلیل دو سال خشکسالی پیاپی شرایط مطلوبی بر منابع آب کشور حاکم نیست. (صفحه ۴)

امروز در تاریخ:

شهادت سردار محمد ابراهیم همت (۱۳۶۲ ش)  
 درگذشت حسین قوامی، خواننده موسیقی سنتی ایران (۱۳۶۸ ش)  
 درگذشت احمد عبادی، فرزند میرزا عبدا...  
 فراهانی و نوازنده سhtar (۱۳۷۱ ش)  
 درگذشت هوشنگ ظریف، موسیقیدان و نوازنده تار (۱۳۹۸ ش)

مقطع حساس کنونی

دو حکیم، دو موش یک پیشی

آه در زمان‌های قدیم دو حکیم که هردو از مراتب بالایی از حکمت برخوردار بودند و هریک به‌طور مجزا به تربیت شاگردان و مردیان و بیان جملات قصار می‌پرداختند، قرار گذاشته بودند که ماهانه با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند و یکدیگر را در جریان آخرین دستاوردهای حکمی و اندیشگی خود قرار دهند. روزی در یکی از جلسات ماهانه بحث و تبادل نظر، حکیم اول به حکیم دوم گفت: به‌نظر شما مهم‌ترین دغدغه و راهبردی‌ترین مؤلفه چیست؟ حکیم دوم قدری اندیشید و گفت: به‌نظر من آسایش مهم‌ترین دغدغه و راهبردی‌ترین مؤلفه است. حکیم اول گفت: اما به نظر من آرامش مهم‌ترین دغدغه و راهبردی‌ترین مؤلفه است. دو حکیم هرچه در تبیین مبانی عقیده خود کوشیدند، نتوانستند یکدیگر را قانع کنند. در نتیجه تصمیم گرفتند از طریق آزمایش علمی عقیده درست را کشف و اثبات کنند. آنها دو موش را - که یکی بیمار و دیگری سالم بود - انتخاب کردند و هرکدام را در اتاقکی جداگانه بستند و مقداری آب و غذا نیز جلوی هریک ریختند. سپس گربه پیری را که از قبل آماده کرده بودند در انتهای اتاقک موش سالم طوری که دستش به او نمی‌رسید محکم بستند و رفتند و دو شبانه‌روز بعد برای بررسی نتیجه آزمایش سالم‌گفت: آنها پس از مراجعه مشاهده کردند که موش بیمار در عین بیماری غذایش را خورده و سرحال شده اما موش سالم که گربه در آغل او بسته شده بود هیچ غذایی نخورده و لاغر و تکیده و بیمار شده است. حکیم اول پس از مشاهده نتیجه آزمایش به حکیم دوم گفت: همان‌طور که مشاهده می‌کنی موشی که احساس آرامش نمی‌کند، نمی‌تواند به آسایش خود اهمیت بدهد. حکیم دوم گفت: بلی و موشی که به آسایش خود اهمیت می‌دهد، احساس آرامش نیز می‌کند. آنها سپس موش‌ها را از اتاقک‌ها بیرون آوردند و کف آزمایشگاه‌ها را ساختند و گفتند: به به از این آرامش و آسایش و به ادامه مباحثات حکمی و اندیشگی خود پرداختند. دو موش نیز تا آزمایش بعدی در امنیت و سلامت کامل به زندگی خود ادامه دادند.

ادامه دادند.

## رقص با رویا به آرژانتین رسید

محمود کلاری و محمدرضا فروتن برای ادامه فیلمبرداری رقص با رویا به آرژانتین سفر کردند. رقص با رویا دومین فیلم کلاری، فیلمبردار با سابقه سینماست. رقص با رویا را کلاری بعد از دریافت جایزه نقدی که برای فیلم ابر و آفتاب دریافت کرد جلوی دوربین برد. در این فیلم علاوه بر فروتن، امیر پایور هم بازی می‌کنند. داستان این فیلم درباره یک کارگردان ایرانی است که برای شرکت در جشنواره فیلم ماردل پلا و نمایش آخرین اثرش راهی آرژانتین می‌شود. (صفحه ۳)

## دلیل سرگیجه در ارتفاع

چشم ما عادت به دیدن اشیا در فاصله دور یعنی جایی که باید بسترش‌یء باشد، ندارد. به این ترتیب چشم‌اندازها در جایی که مغز انتظار آن را دارد، قرار ندارند و این مساله باعث می‌شود که بدن ما به خاطر این دواگانی ظاهری بارها و بارها دید خود را تصحیح کند. اغتشاش حاصل از این عملکرد بدن علائم و سیگنال‌های مغزو اضطراب عمومی ناشی از قرار گرفتن در چنین وضعیت خطرناکی باعث سرگیجه می‌شود. (صفحه ۱۲)